

مذهب بیشتر اهالی شیعه اثنی عشری است و کردان بیشتر اهل حق اند .
در میان اهالی بومی کم و بیش معتقدان به مذهب اسماعیلی هم هست . این ناحیه
در زمان رابینو دو هزار و صد خانوار داشته است .

۴- آثار و بناهای تاریخی ناحیه‌های خرگام و فاراب عمارلو .

قبرستان قدیمی بالا محله منجیل بر ساحل چپ رودخانه منجیل

بر سنگهای بزرگ این قبرستان، تاریخی دیده نشد . از نوع خطی که
بر آنهاست شاید بتوان گفت مقدم بر اوایل قرن دهم هجری نیست . بر سنگ
سیاه عظیمی که به طول ۱۹۰ و عرض ۸۰ و قطر ۳۵ سانتیمتر بود این عبارات حوایده
می شد : یا الله یا محمد یا علی هذا القبر السعید علیخان بن ولیخان .

بر سنگ دیگری که شکسته است ، این عبارت است : هذا القبر شاه سلطان .
بر سنگ دیگری چنین حک است : وفات مرحوم حیدرعلی ولد مرحوم
علی دادبیک . نقوشی که بر آن حک است : شاه و مهر و تسمیح و سرو و بلبل و
اژدها .

سردابی بزرگ سگی در این قبرستان

در قسمتهای پائین قبرستان قدیمی منجیل سردابی است که طاق آن از
سنگهای يك پارچه به طول سه متر و قطر ۳۷ سانتیمتر بنا شده است . دیوار
این سرداب نیز از سنگ است . طول آنها ۳۶۰ و عرض آنها ۲۲۰ و قطر آنها
۲۸ سانتیمتر است بر سنگهای داخلی کلمات ، الله و محمد و علی به اشکال مختلف
دیده می شود .

بنائی هشت ضلعی به نام مقبره زرین تاج

در این قبرستان قدیمی بنائی هشت ضلعی آجری است . آجرهای بنا به ابعاد
۲۰ و قطر ۵ سانتیمتر است . اضلاع خارجی بنا هر يك ۲۱۶ سانتیمتر است و ارتفاع
آنها از روی پایه سنگی دو متر است . سقف بنا دو گنبد دارد . گنبد زیرین با

آجر بنا شده است داخل بنا از سنگ و گچ است که روی آن را با گچ سفید کرده‌اند. عرض اضلاع داخلی ۱۵۲ سانتیمتر است. سرگنبد بالائی وزیری هر دو خراب شده، اما کمربند گنبد بالائی باقی است. در بنا شرقی است و ارتفاع آن از پایه سنگی ۱۵۰ و عرض آن ۸۳ سانتیمتر است (عکس شماره ۲۴۷) بقعه امامزاده سلیمان معروف به امامزاده ظاهر بن موسی الکاظم علیه السلام در پائین محله منجیل

این بقعه بنائی است چهارضلعی از سنگ و گچ که اخیراً آن را با سیمان تعمیر کرده‌اند.

پل منجیل

پائین آبادی منجیل بر رودخانه سفید رود

پل بستن بر آب سفید رود، به علت آب فراوان و سیلاب آن، مشکل و پرخرج است. الثاریوس (Oléarius) در سال ۱۰۴۸ قمری (= ۱۶۳۸ میلادی) می‌نویسد که پلی ما شش پایه که در هر پایه، اطافی و آشینز خانه‌ای بود و پلکانی برای رفتن به اطاقها داشت، بر روی آب سفید رود بنا کرده بودند که حایش اطاقها به قدری بود که تمام افراد يك کاروان را حای می‌داد

هنوی (Hanway) که راه رشت به قزوین را طی کرده، با قایق از آب سفید رود گذشته است و این خود نشانی است که در زمان او پلی بر روی این رودخانه نبوده است، یا پل آن خراب و قابل عبور نبوده است

ماژور داریسی تد (Major d' Arcy Todd) در سال ۱۲۵۳ قمری (= ۱۸۳۷ میلادی) می‌نویسد که پل منجیل هفت دهانه داشت و متعلق به دوران صفویه بود. قسمتی از این پل در زمان سلطنت نادرشاه خراب شده بود و در حدود چهل سال قبل از سفر داریسی، سلیمان خان قاجار - حاکم سابق گیلان - آن را مرمت کرده بود این مرد را داریسی در سال ۱۲۴۷ قمری (= ۱۸۳۱ میلادی) ملاقات کرده است. دو هلال طاق دو دهانه را آب برده بود، با تخته آن را پوشانده

و راه عبور و مرور را گشاده بودند.

میان سالهای ۱۲۶۷ و ۱۲۷۷ قمری، حاجی ملا رفیع شریعتمدار که امام جمعه کیلان بود، پلی تازه ساخت. این پل از عجایب هنر معماری بود، اما در سال ۱۳۱۶ قمری، سیلی این پل را از جای کند. این پل هنگام سفر ناصرالدین شاه به کیلان بر جای بوده است. (۱) (عکس شماره ۲۴۸) سپس کمپانی روسی، پلی از آهن در پایه‌های پل قدیمی بنا کرد که تا زمان رابینو (۱۳۳۱ قمری) برپا بوده است. (۲)

پل لوشان

بر روی رودخانه شاهرود نزدیک دهکده لوشان

این پل آجری محکم و زیبا بر پنج پایه اصلی استوار است. طرح بنا قدیمی است اما تاریخ بنای آن زیاد روشن نیست رابینو می‌نویسد «پل لوشان، بنائی ریما از آجر و سنگ است که شامل دو دهانه بزرگ و یک دهانه کوچک است و در زمان خسروخان بنا شده است» (۳) در صورتیکه این پل از قدیم چهار دهانه داشته و تمام آن از آجر بوده است عکسی که هنگام سفر ناصرالدین شاه به کیلان از این پل گرفته‌اند، گواهی صادق است (عکس شماره ۲۴۹) شاید بعدها که پل رو به خرابی رفته است، آن را با سنگ تعمیر کرده‌اند. (عکس شماره ۲۵۰) صاحب طرائق الحقایق می‌نویسد که پل شاهرود بر نیمه راه حرران به منجیل است. مجموع این راه پنج فرسنگ است. (۴) صاحب طرائق در سال ۱۳۱۴ قمری یعنی یک سال پس از کشته شدن ناصرالدین شاه از روی این پل گذشته است.

راه قدیم کیلان

راه قدیم کیلان از مسیر امروزی بوده است. این راه از آقانا با به مرعه‌ای

۱ - مرآت البلدان ج ۱ ص ۱۶۹ و ۱۷۰ به نقل از سفرنامه کیلان ۲ - کیلان
 رابینو ص ۲۶۵ ۳ - کیلان را رابینو ص ۲۶۲ ۴ - طرائق الحقایق ص ۶۰۳.

می‌رفت که چاپارخانه و کاروانسرای داشت و يك فرسخی آقابابا بود. از اینجا به کتل خرزان می‌رسید. وسط کتل دهکده‌ای به نام اسماعیل آباد بود که تا مزرعه يك فرسخ فاصله داشت. سپس از دهکده خرزان می‌گذشت. میان اسماعیل آباد و خرزان آبادی کوچک دیگری بوده است. دهکده خزران چاپارخانه و کاروانسرا داشت. از خرزان تا منجیل پنج فرسخ راه است و بر سر راه آبادی کوچک منداب بوده است. (۱) کاروانسرا و حمام خرزان را حاجی معتمدالدوله فرهاد میرزا پسر عباس میرزا نایب‌السلطنه ساخته است. (۲)

راهی که روسها ساخته‌اند از مزرعه‌ای که در يك فرسخی آقاباباست جدا می‌شود و به دره ملاعلی می‌رود و بالاتر از منجیل در دهکده پاچنار با راه خرزان یکی می‌شود. (۳)

بقعه امامزاده حمزة بن موسی‌الکاظم علیه‌السلام

در دهکده لوشان فاراب عمارلو

بنای اصلی بقعه از سنگ و گچ است. طرح بنا چهار گوشه و در نام آن گنبدی کاشی کاری است. در شمال بقعه قبرستان وسیعی است. سنگهای قبور آن تمام مرمر و نقشهائی دیدنی و حالت بر آنهاست. تاریخ پاره‌ای از آنها مقدم بر سال ۱۲۰۰ هجری قمری است.

بقعه امامزاده محمد حنفیه بن علی علیه‌السلام و هاشم بن محمد حنفیه

و ابوالقاسم حمزة بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام

در دهکده بوزن فاراب عمارلو

متن بنا از سنگ و گچ و نمای آن آجر است. طرح بنا هشت ضلعی است. اندازه هر ضلع از داخل ۲۴۰ سانتیمتر و از خارج ۴۶۰ سانتیمتر است و عمق طاقنماهای آنها نیم متر است. ایوانی مقابل در ورودی است که طوایش ۵ متر و عرض آن ۳/۵ متر است. این ایوان به کفش کنی ختم می‌شود که طول آن ۲/۷۰ و عرض آن ۲ متر است. در دیوارهای حرم پنجره‌های ظریف مشك دیده

می‌شود. سه صندوق ساده در وسط است و صریحی مشبك چوبین آنها را احاطه کرده است. درخت کهنسال سروی جنگلی در جلو بنای بقعه است. (عکس شماره ۲۵۱)

پل آجری انبو در روی رودخانه شاهرود در بخش فاراب عمارلو

دهکده انبو بر ساحل راست شاهرود، در کنار یکی از شعب این رودخانه است و به دو محله بالا و پائین تقسیم می‌شود. این پل بر رودخانه شاهرود در راه قدیم قزوین به اشکور و دیلمان بنا شده است. این راه از قزوین به گردنه کما سار و دهکده چنارک و پل انبو و قهوه خانه سیاه آب می‌رود. راه دست راست از قهوه خانه به اشکور و راه دست چپ به دیلمان می‌رود.

دهکده انبو از دیه‌های قدیمی این ناحیه است. رشید الدین فضل الله در شرح حال حسن صباح می‌نویسد «از قزوین به راه بیره و انبوه به دیلمان آمد» (۱) سید ظهیر الدین نیز از این دهکده نام می‌برد آنجا که می‌نویسد «نماز عصر به را از لیسر سوار شده و به تعحیل برانندند و چون راه دور و دراز بود و به قلل حمل برف بسیار، نماز شام را به قریه انبوه رسیدند» (۲) صاحب برهان قاطع می‌نویسد «انبوه... نام قصه‌ای است در بالای کوهی از مضافات دیلمان» در فرهنگ جغرافیائی نیز از این دهکده یاد شده است و می‌نویسد: پل آن قدیمی است.

قلعه خراشه‌ای به نام قلکی سر در دهکده کلیم از بلوک فاراب عمارلو

از دیلمان که به سر دو راهی انبو می‌رویم طرف دست راست بر سر کوهی منفرد، قلعه‌ای از سنگ و گچ دیده می‌شود که ظاهراً از بناهای اسماعیلیان است

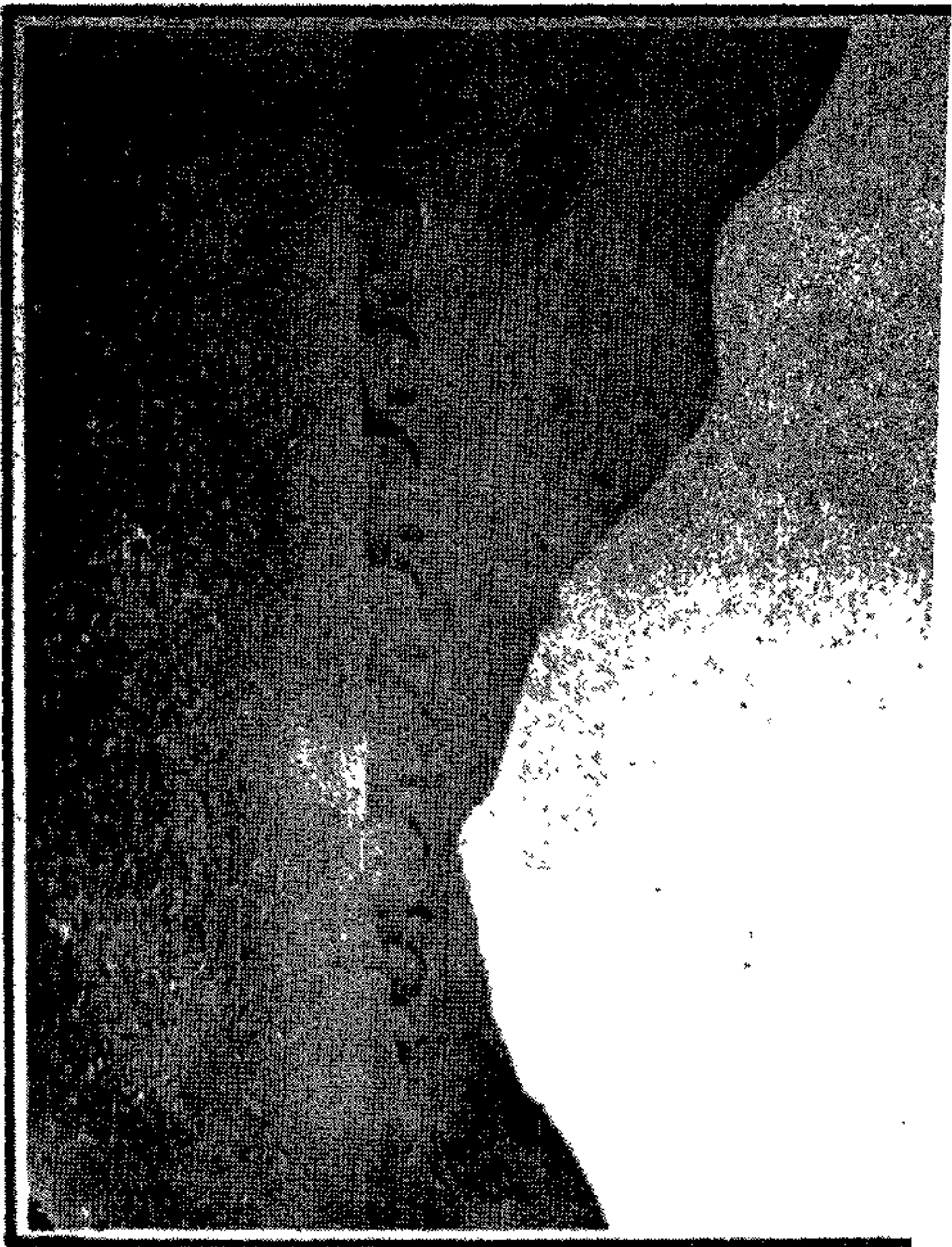
(عکس شماره ۲۵۲) از دیوارها و باروی قلعه آثار زیادی بر جای نیست و طرح اصلی آن از میان رفته است. در پاره‌ای جاها ارتفاع دیوار به يك متر و نیم می‌رسد. (عکس شماره ۲۵۳ و ۲۵۴)

چند سال قبل آلتی صندلی مانند که از مفرع بود از این قلعه بیرون آوردند.

باقی بناها و آثار تاریخی ناحیه فاراب و خرگام عمارلو

- ۱- امامزاده طیب و طاهر در پاکده ماگندی از کاشی سبز.
- ۲- امامزاده محمد در تکیه حیرین ده.
- ۳- شاه‌نشین و شاه‌میر کلا، دو محل کوهستانی نزدیک دهکده انو، در این دو محل آثار آبادیهای قدیمی است.
- ۴- کافر قلعه، قلعه خرابه‌ایست نزدیک حیرین ده فاراب عمارلو.
- ۵- خرابه‌های انییه قدیمی در اراضی مزرعه چارشا نزدیک دهکده‌ناش از بلوک خرگام عمارلو.
- ۶- بقعه شاه شهیدان در دهکده شهیدان ریز کوه دلفک.
- ۷- بقعه دهکده شادسر.
- ۸- کافر کوه نزدیک دهکده تاله کوه از بلوک خرگام عمارلو، آثار قلعه خرابه‌ای دارد.
- ۹- قلعه خرابه‌ای معروف به نقاره کوه نزدیک دهکده کشکش، از بلوک خرگام عمارلو. این قلعه میان دهکده کشکش و صیقاده است.
- ۱۰- بابا ملخودی گور نزدیک دهکده کلیشم از بلوک فاراب عمارلو ظاهراً یکی از گورهای سران اسماعیلیان است.
- ۱۱- قبور گبری و آثار خرابه‌های قدیمی و قلعه‌های کهن نزدیک دهکده ویه از بلوک فاراب عمارلو.

- ۱۲- قلعه نادری و تپه آن میان چهل و سرمل از بلوک خرگام عمارلو .
- ۱۳- کافر قلعه در پاک ده از بلوک فاراب عمارلو .
- ۱۴- قلعه یگونوم نزدیک دهکده یگونوم از بلوک فاراب عمارلو .
- ۱۵- چله خانه و درم حانی میان یگونوم و دهکده ویه از بلوک فاراب عمارلو .
- ۱۶- درگردگان، غارمانندی است که در سنگ تراشیده اند نزدیک دهکده پاکده از بلوک فاراب عمارلو .
- ۱۷- بقعه آینه ده (= ایسه دی) از بلوک فاراب عمارلو .
- ۱۸- مسجدی بر بالای کوه نزدیک دهکده داماش عمارلو .
- ۱۹- خرابه ها و آثار تیله و سفال قدیمی در چراکوه برسیده به دهکده
- کلیشم
- ۲۰- قلعه چمارود نزدیک محله بالای اسوار بلوک فاراب عمارلو
- ۲۱- قلعه کنجک بالای قلعه چمارود نزدیک دهکده اسوار بلوک فاراب عمارلو
- عمارلو
- ۲۲- قلعه دگاسر سمت راست رودخانه شاهرود و برح نگهبانی آن سمت چپ آب نزدیک دهکده دگاسرار بلوک فاراب عمارلو
- ۲۴- قلعه کلاسی نزدیک دهکده ناوه از بلوک فاراب عمارلو .
- ۲۵- قلعه حیرین ده نزدیک دهکده حیرین ده از بلوک فاراب عمارلو
- ۲۶- قزقاعه نزدیک دهکده سنگه رود از بلوک فاراب عمارلو
- ۲۷- قلعه اسکان و اسلانا نزدیک دهکده اسکان از بلوک فاراب عمارلو .



مکس شماره ۲۴۸ - مکس بل منچیل از آلکوم ناصر الدین شاه که در آن دوشتان ارضت باد دوترا اوانس مسکن بود



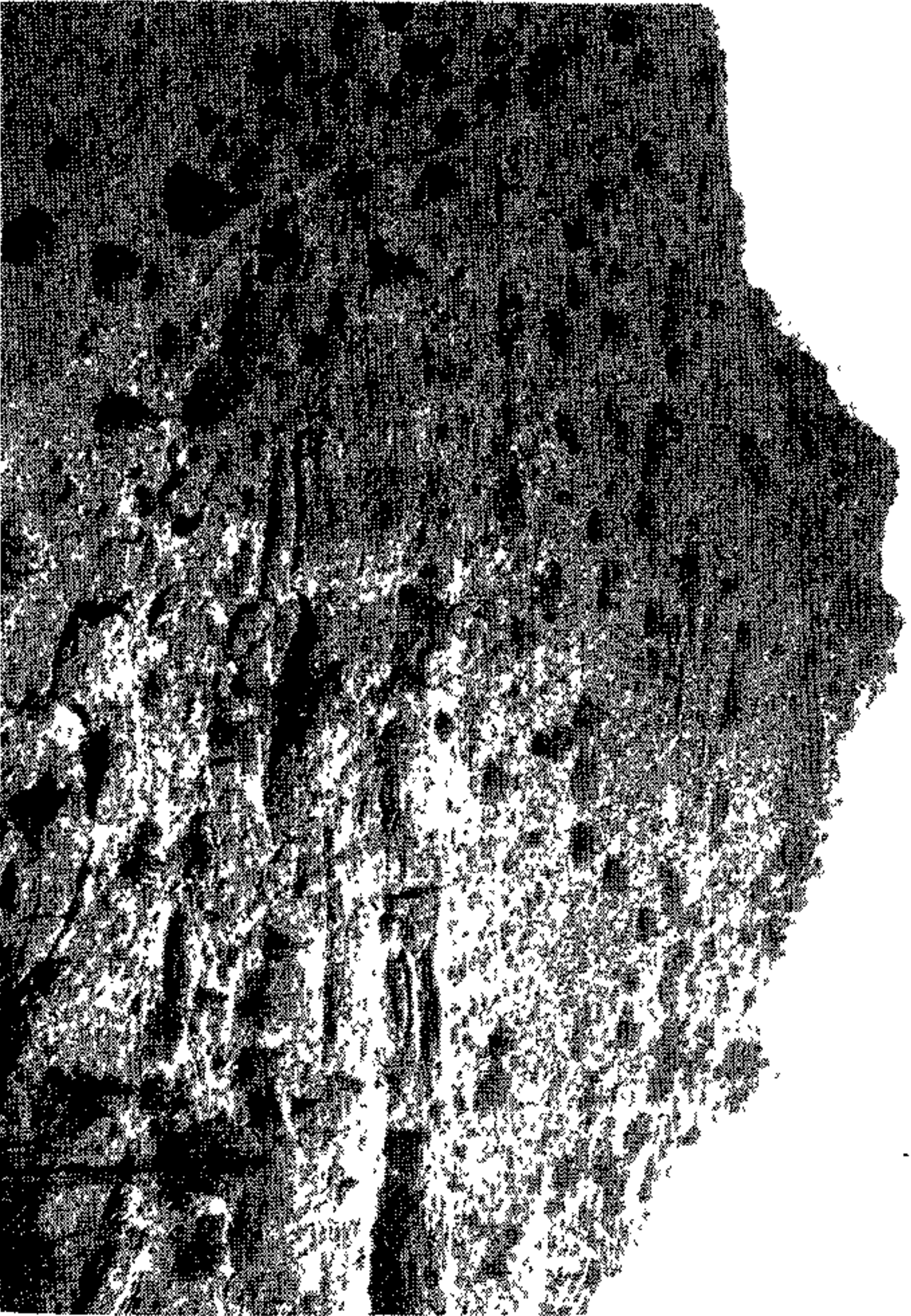
عکس شماره ۲۴۹ - عکس پل لوشان همکام - سفر ناصرالدین شاه به کیلان که در آنجا ناصرالدین شاه نقل شده است
این عکس شماره ۱۲۱۸۱ در کتابخانه مری کبری دانشگاه تهران است



عکس شماره ۲۵۰ - پل اروشان در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی



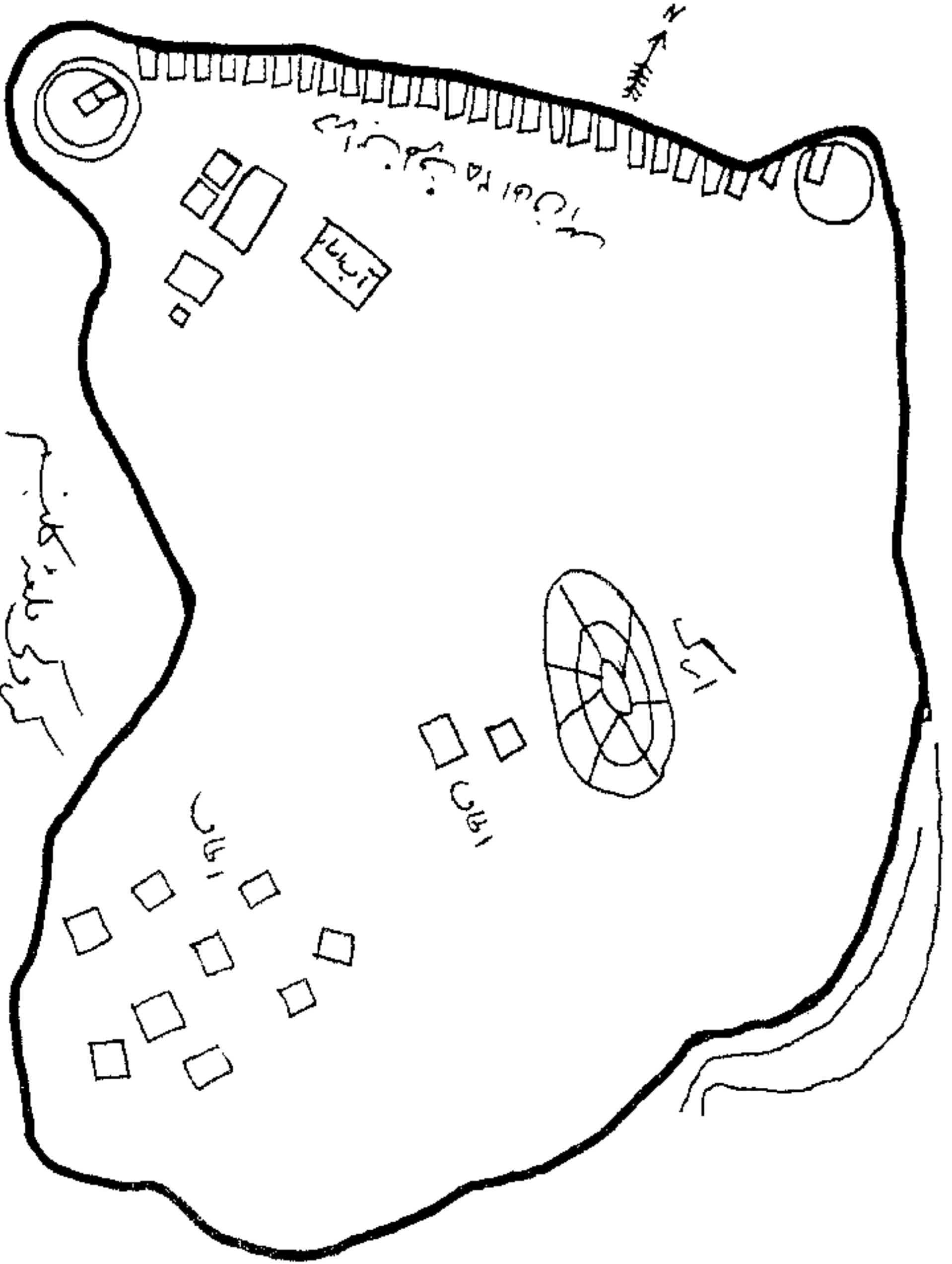
عكس شماره ۲۵۱ - بقعه امامزاده محمد خميه و هاشم بن محمد خميه و حمزه بن موسی الكاظم عليه السلام در محکمه
بيورزن فارس خاراب ممدارلو.



عکس شماره ۲۵۲ - کوهی که قلمه دفاکسیس و کلیم بر آن بنا شده است .



عکس شماره ۲۵۳ - پارهای از دیوار عربی قلعه قلک سوس، کلیش



گروہی قلعہ کلکتہ

مکس شماره ۲۵۴ - گروہی قلعہ دہلی کی تصویر

تصحیحات - اضافات - تعلیقات

صفحه/سطر

۱۰/ ۱ - بهر هائی که قبل از تأسیسات جدید سد سفیدرود و سد تاریک رود از رودخانه سفیدرود جدا می شده اند به نامهای زیر معروف بودند: ۱- خمام- رود ۲- سالار حو ۳- کیا جو ۴- نور رود ۵- گیشه دمرد ۶- تشرود ۷- حشمت رود ۸- توشا حو ۹- سالک ده ۱۰- میرزا جو ۱۱- گلرود ۱۲- علی بکنده ۱۳- سیاه ورس .

۱۱/ ۲ - رونج باباء منقوط چنانکه در اغلب کتب جغرافیائی قدیم آمده است ظاهراً باید رویح باباء منقوط باشد . زیرا همین کلمه بعدها رویان شده است

۱۱/ ۸ - کهدم که امروز باضم دال تلفظ می کنند و به کهدمات جمع می بندند، در زمان عبدالفتاح فومنی مؤلف تاریخ گیلان به فتح دال تلفظ می شده است زیرا این مؤلف در ذکر حال کامران میرزا این کلمه را با محکم و عدم وعم وستم و دیدم و سرم و قسم قافیه آورده است . (تاریخ گیلان عبدالفتاح فومنی چاپ نگارنده ص ۸۸)

۱۲/ ۲۴ - کھی خرنأ بدقنك نمایی صحیح است . کلمات در چاپ ریخته و پس و پیش شده است .

۱۳/ ۱ - در اصل : وکات فی حیوتك لی عطات

۲۰/ ۲۱ - تربیت اشتباه چاپی است و تربت صحیح آنست

- ۳۶/ ۹ - خشمانادان صحیح است (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۳۵۴)
- ۳۹/ ۳ - سر راه آستارا به انزلی صحیح است .
- ۴۶/ ۶ - قوشه حد صحیح است . در زبان تالشی به معنی « يك جفت سید » است
- ۷۱/ سطر اول حاشیه - والیوم الاخر صحیح است .
- ۸۴/ ۹ - خشابر با ناء منقوط صحیح است .
- ۹۲/ ۳ - درییلاق چروده ، در محلی به نام دیان سر صحیح است .
- ۹۲/ ۱۲ - خوشابر همان خشابر بضم خاء معجمه است که در صفحات پیش یاد شده است .
- ۹۲/ ۲۲ - سنگ نوشته ای صحیح است .
- ۱۱۸/ ۲۰ - آقاسید مهر علی صحیح است .
- ۱۲۰/ ۹ - و دو طرف دیگر پهن تر است صحیح است
- ۱۳۳/ ۱۵ - عبدالفتاح فومنی در تاریخ گیلان می نویسد که حیرالنسا بیگم همسر امیر هدماح فومنی در سال ۹۳۸ قمری در ماسوله فوت شد و در گورستان خاندان صفویه در اردبیل به خاک سپرده شد . دهکده واقعه دشت فومن که مالیات آن هزار سکه طلا در سال بود وقف مزار او در اردبیل شد این دهکده در دو کیلومتری صومعه سرا تا امروز به جای است .
- ۱۳۸/ ۱ - خط خوش نسخ بر آن حاك شده است صحیح است .
- ۱۳۹/ ۲۱ - حاکم بیه پس بوده است صحیح است .
- ۱۵۴/ ۳ - امیر قتلغشاه قصد گرفتن فومنات را داشت و از راه خلخال بدین حمله کرد مردم فومن و تولم متحد شدند و حمله آوردند و قشون مغول شکست خورد و خود قتلغشاه کشته شد .
- ۱۵۵/ ۲ - فوهن غلط چاپی و فومن صحیح است
- ۱۶۴/ ۲ - موبین غلط چاپی و جوین صحیح است

- ۵/۱۹۱ - قبل از رسیدن ما به این محل صحیح است .
- ۱۰/۱۹۳ - این ضریح نظیر خمیه‌هایی است صحیح است .
- ۲۴/۱۹۳ - نزدیک آبادی، منظور آبادی ضیابزرگسکر است .
- ۱۶/۲۱۷ - آقای محمد علی گیلک در باره درهای بقعه امامزاده ابراهیم شفت نوشته‌اند که نسبت کاری است . از درهای منبت کاری امروز اثری نیست .
- ۲۰/۲۲۹ - درباره مسجد قدیمی هندخاله تولم درص ۲۲۸ توضیح مختصری داده شده است .
- ۲۳۹/ حاشیه شماره یک - بضم نون و کسر واو صحیح است .
- ۱۳/۲۴۷ - سید ظهیرالدین از مسجد پاس کیا در شهر رشت ، در ذکر احوال سیدعلی کیا و مخالفت او با امیره محمد رشتی و مغلوب و کشته شدن سادات می نویسد، وقتی خبر شکست سادات به سیدعلی کیا رسید به رشت آمد و در مسجد پاس کیا فرود آمد و این جریان در سال ۷۹۱ قمری بوده است (تاریخ گیلان و دیلمستان چاپ نگارنده ص ۸۱) گمیلین نیز در سال ۱۱۸۵ قمری در ذکر مساجد رشت از این مسجد یاد کرده است .
- ۶/۲۴۸ - خمیران زاهدان به حالت مصاف و مصاف‌الیه صحیح است .
- ۱۷/۲۵۴ - مسجد جامع رشت را مرحوم میرزا حسن خان اعتماد السلطنه به نام جامع گیلان خوانده و در مرآت البلدان ج ۴ ص ۱۱۹ و ۱۲۰ شرحی درباره آن نوشته است .
- ۲۲/۲۵۴ - روبه خرابی نهاده است صحیح است .
- ۱۸/۲۵۶ - به مسجد وارد می شود صحیح است .
- ۱/۲۵۷ - و صاحب دیوان شینخ بوده است صحیح است .
- ۱۶/۲۶۰ - هم مسیح اندر این حمریل فرخ از کنار صحیح است .
- ۲۶۷/ حاشیه ص ۲۶۷ مر بوط به ۲۶۶ است
- ۶/۲۹۳ - بنای اصلی بقعه صحیح است

۱۸/۲۹۴ - ماده تاریخ سردر بقعه خواهر امام « باسقاط یاء صغیر » است که اگر یاء را اسقاط کنیم « صغر » می شود و مجموع این حروف معادل ۱۲۹۰ قمری است .

۱/۳۰۱ - سرافراز صحیح است .

۱۷/۳۰۵ - یادبان یا مئان یا حنّان یا برهان صحیح است .

۵/۳۰۹ - صاحب طرائق الحقایق در سال ۱۳۱۳ قمری به رشت آمده و از امامزاده هاشم یاد کرده است (طرائق الحقایق ص ۶۰۳)

۲۲/۴۲۶ - اثری نبود صحیح است .

۱۵/۴۲۹ - موسی و علی و تقی و نقی صحیح است .

۴/۴۶۳ - اعتماد السلطنه از چاپارخانه رستم آباد یاد کرده است که امروز

اثری از آن برجای بیست (مرآت البلدان ج ۱ ص ۱۶۹ و ۱۷۰)

۱۶/۴۶۴ - اعتماد السلطنه از کاروانسرای فیلده نیز یاد کرده است . نگارنده آن

را نیافت . (مرآت البلدان ج ۱ ص ۱۶۹ و ص ۱۷۰) همچنین از آثار

عمارت و قلعه میان فیلده و دهکده لاکه ذکر می کند که نگارنده

آنها را ندید .

۲/۴۷۱ - محلهای زیر اطراف چراغعلی تپه هستند و آثار زیر خاک می دارند .

۱- در سینه های کوه دهکده قشلاق ۲ - در گاچه سرای جازن کول

۳- در دهکده زینب بچار ۴- در لاله بچار ۵- درسی سرك ۶- در زینب

بچار (مزرعه برنج کاری است) ۷- در دوره بچار ۸- در کشان بچار .

۱۸/۴۷۷ - آقا سید حسن صحیح است .

اصطلاحات فنی و لغات محلی که در این کتاب به کار رفته است

آبدارخانه : قسمتی از بنای مساحت شهرهاست که در آن چای و قهوه تهیه می کنند
آزان : اردرختان جنگلی است و به نام علمی *Zelkova Crenata Desf* خوانده
می شود این درخت به علت بلندی و مستقیم بودن آن مورد احترام است
ارسی : پنجره هایی است که معمولاً شیشه های آینه رنگین است و در دوشیار از پائین
به بالا و بالعکس حرکت می کند

ازاره : قسمت پائین دیوار بنا که از سنگ یا آجر می چینند یا روی آن را کاشی-
کاری می کنند ارتفاع این قسمت بیش از یک متر نیست

ایوان کتابی ایوانی بسیار کم عرض را گویند

بائو : دو تخته قطور دو طرف لنگه در را گویند

نلوط = مازو : از درختان جنگلی است و به نام علمی *Quercus Iberica Stev*
= *Quercus Sessiliflora, Sm* خوانده می شود عظمت این درخت مورد ستایش

جنگل نشیمان است

بن نال : کسر ناء، چوبی قطور و چهارش که لمة ایوان می گذارند و ستونهارا
روی آن قرار می دهند

باسار : تخته های قطور بالا و وسط و پائین لنگه در

پاسگرد : فضائی که در محل تعیین سمت پلکان است .

پیره : پیش آمدگی لمة نام از چهار جهت تا مانع رسیدن باران به دیوارها شود
پشته : برای اینکه بتوانند لمة نام را بیشتر بیش آورند، معمولاً پیره (یعنی قسمت

پیش آمدگی) را طبقه طبقه می‌کنند تا این لکه حلوتر آید و بیشتر مانع رسیدن باران به دیوارها شود. هر يك از این طبقات را يك پشته گویند. پل کوبی: کوبیدن تخته‌هایی به قطر سه و عرض بیست سانتیمتر و طول دو متر یا بیشتر در بالای و اشانها که تیرهای سقف است.

تر به بسم‌تاء، این کلمه همان کلمه تربت عربی است، در صفحات تالش نشین و ترك نشین به معنی مرار و مرقد به کار می‌رود.

تکائل: بفتح تاء و کسر همزه، نوعی بردهٔ حلوا یوان است که از تخته‌هایی به ارتفاع نیم متر و عرض بیست سانتیمتر و قطر يك سانتیمتر، میان دو چوب اصلی که در طول ایوان است قرار می‌دهند.

تمکه: بسم تاء و نون، تخته‌هایی صاف که معمولاً لکه‌های آن پخ است و در میان پاسار و بائوی لنگه در قرار می‌گیرد. پاسار تخته‌های قطور بالا و وسط و پائین لنگه در و بائو تخته‌های قطور طرفین آن است.

تور: در زبان گیلکی به معنی خل و دیوانه است.

چکه‌گیری: عمل تعویض تخته‌ها یا سفالها یا کالی نام تا مانع آب چکه سقف شود.

حلب پوش: بناهایی را گویند که نام آنها از آهن سفید پوشانده شده است. جمال: چوبی بسیار قطور که وسط بناهایی که عرض زیاد دارند می‌کشند و تیرهای سقف دو طرف بنا را روی آن قرار می‌دهند.

حوضخانه: قسمتی از بناهای مساجد شهر که محل وضو گرفتن است.

خفنگ: بفتح خاء و فاء، پجره‌های مشك یا شیشه‌دار که بالای درها نصب می‌شود تا نور کافی به داخل نرسد.

دچمن: در بخشهای تالش نشین به معنی بل کوبی مناطق کیلك نشین است و آن تخته‌های بلندی است که روی و اشانها (= تیرهای سقف) می‌کوبند.

در پوش: تخته‌های نازک و بلندی که روی درهای لکه (= تخته‌های پهن و

بلندی که روی و اشانها می کوبند (میخ کوب می کنند تا درز آنها پیدانماید .

درزپوش خطدار : نوعی درزپوش است که لیمه های آن را با نوعی رنده خطدار کرده اند .

درزپوش خطدارپهن - تخته هایی که در رتخته های لیمه را می پوشاند و از درز - پوشهای معمولی پهن تر است .

دستك تکاثل : نوعی برده جلو ایوان است که از تخته و دستکپائی که میان آنهاست می سازند .

دستك صراحی . برده جلو ایوان که از چوبهای عمودی حراطی شده ساخته شده است .

دش دیوار - بفتح دال ، در اصطلاح محلی اسالم به دیواری گویند که با سنگ و گل چیده اند .

دئواره : سنگی صاف و کمود رنگ و بیضی شکل است که دختران و زنان حاو سینه می آویزند . در پارهای نقاط ، این سنگ را بینگی گویند

دماسا - بفتح دال ، در اصطلاح محلی کرگان رود به معنی طاقهای لمبه کوبی شده است

دوراز کردن : عمل تعویض سفالهای شکسته نام .

دولتی . در اصل دولجتی و به معنی درهای دولنگه است .

رف . محفظه ای بالای طاقچه ها که معمولاً ظروف چینی در آن می گذاشتند

زنگالی : بنائی که استخوان مدی آن از چوب است و سپس داخل چوبهای دیوار را با گل برمی کنند .

زوارکتی : بفتح راء و تشدید واو ، آمدن رائران به محلهای متروک در رورهای معین

زیرسری تیری بلند ، گرد یا چهارمش که زیر سر تیرهای سقف بناوری دیوار قرار می دهند

زینبیه : در صفحات تالش نشین و ترك نشین به معنی مسجد زبانه است

ستون چهارسو ستونهای چوبی که چهارش کرده اند

ستون چهارسوی پج زده : ستونی که چهارش است و تیزی بشهارا تراشیده و زده اند .

سرستون قسمتی از ستون که به اشکال مختلف از چوب می سازند و در بالای ستونها نصب می کنند و سرنال را روی آن تکیه می دهند .

سرنال . تیر بلندی که چهارش کرده اند و روی ستونها قرار می دهند

سفال سر سائی را گویند که نام آن را از سفال سرخ نانو مانند پوشانده اند .

سمد = سمت ، بفتح سین و میم = اوجا : از درختان جنگلی است که در فضای

اطراف امامزاده ها دیده می شود این درخت به نام علمی Ulmus

Procera Sahish شناخته شده است .

سنگ بادبر . صم بآء دوم ، سنگهایی که با ضرب پتک شکل مکعب مستطیل در آورده اند

سناه نشین قسمت بالای تالار که معمولا سطح آن را کمی بالاتر از کف تالار می ساختند

سنگ دریده راهروی عریض میان دو تالار در ساهای مسکوبی دوران قاجار

عباسیه در اصطلاح مناطق ترك نشین و تالش نشین مسجد مردانه را گویند .

علم بفتح عین و لام ، چوب بلندی به ارتفاع پنج شش متر که سر آن پنجه های

برنجین می گذارند و پارچه های رنگین قیمتی به چوب می بندند

علم بندی عمل بستن پارچه های رنگین و با ارزش به بدنه چوبی علم که در روز

معین و با آدابی مخصوص انجام می شود

علم و اچمی عمل بار کردن پارچه های رنگین و قیمتی از چوبه علم که آن تیر

آدابی دارد در روز معین انجام می شود

غلام گردش : ایوانی به عرض يك متر یا کمی بیشتر که در چهار طرف بنا ساخته اند.
فیلپا : ستونهای مدور که قطر آنها در حدود هفتاد هشتاد سانتیمتر است و در
 وسط بناهای عریض در يك ردیف می سازند و حتمال را بر آبهای گدازند
قرنيس سنگ یا کاشی که به عرض ده بیست سانتیمتر است و پائین دیوارها در
 امتداد کف به دیوار می چسبانند .

قرینه سازی - نظیر و همانند ساختن شکل یا نقش با طرحی در بنا
کسچی : کسی که عضلات صورت او بر اثر رطوبت یا سرما خوردگی یا علل دیگر
 جمع شده و دهانش کج شده است .

کرسی بلند . بناهایی که در سطح زمین در حدود يك متر بالاتر می سازند و گاهی زیر
 آنها را خالی می گذارند تا رطوبت به بالا نفوذ نکند

کفش کن . قسمتی از بنای مساجد شهر یا امامزاده ها که پیش از در ورودی است
کلاه درویشی : گنبد های شش ضلعی یا هشت ضلعی **دوک تیر** .

کلهه : بصم کاف ، نوعی برشی سرستون است که بسیار طریف و زیباست

کبوس : از درختان جنگلی است که به نام عامی *Mespilus Germanica L.*
 شناخته شده است و به فارسی از گیاه گوئیم

کیش - شمشاد جنگلی است که به نام علمی *Buxus Sempervirens L.* معروف
 است و بسیار مورد تعظیم و تکریم است . در بارهای نقاط وقتی به زیارت
 امامزاده ها می روند ، شاخه کوچکی از این درخت را با خود می برند و
 به نرده و ستون ایوان امامزاده ها می روند

گالی پوشی : بناهایی که نام آنها را ناگالی یا لایق که نوعی پیر است پوشانده اند.
گاو پهلوی برجهای توپر که متصل به دیوار قلعه می سارند تا مانع فرو ریختن
 دیوار شود .

گل سری مکسر گاف و لام ، بناهایی که کف آنها با سطح زمین هم تراز است

گنج گاو : بکسر حیم ، گاو کوهی یا گوزن است که شاخ آن در امامزاده‌ها یا بر بدنه درختان جنگلی صحن امامزاده‌ها دیده می‌شود .

گنگ : بضم کاف ، تنوشه‌های باریک و بلند که بیشتر برای لوله کشی آب به کار می‌برده‌اند .

گیلوئی : برآمدگی یا فرورفتگی یا ابزار کاری حاشیه بالای دیوار که متصل به سقف است .

لاچ لنگری : ستون چوبین گرد یا چهارنوش که بر بدنه آن کنده کاری داشته‌باشد .

لاچ لنگری حصیری : نوعی کنده کاری بر سطح ستونهای چوبین که چون بافت حصیر یکی از روی یکی از زیر است .

لاچ لنگری شکسته : نوعی کنده کاری بر ستونهای چوبین که به شکل هفت و هشت است .

لاچ لنگری مارپیچ : نوعی کنده کاری بر ستونهای چوبین گرد که به شکل مارپیچ است .

لت پوش : بکسر تاء ، نثائی که نام آن از تخته دارهائی به طول سی چهار سانتیمتر و عرض ده بانزده سانتیمتر پوشانده شده است

لمبه کویی . کوبیدن تخته‌هائی به پهلای بیست سانتیمتر و طول دو متر یا بیشتر به تیرهای سقف بنا که و اشان می‌خوانند .

لمبه کویی بر لبه . نوعی کوبیدن تخته به تیرهای سقف اطاق به طوری که لبه‌های آنها بسیار جزم و چسبیده باشد .

مال بند : دالان مانندی که پشت صغه‌های کاروانسراست و چهارپایان بارکش را در آن جای می‌دهند

مخ لمه بکسر میم و فتح لام و هم دوم ، در اصطلاح محلی کرگان رود به نامی گویند که با تخته‌هائی به طول سه چهارمتر مواری یکدیگر به طرح شیروانی

کو دیده باشند.

نگار : = شمشه : گل اصلی نقشه‌ها و تزئینات و مشبك کاری و منبت کاری و نظائر آنها .

وایشان : تیرهای سقف که معمولاً در صفحات گیلان چهارتیش می‌تراشند و در فواصل کمتر از يك متر قرار می‌دهند

وایشان کشی . عمل قرار دادن تیرهای سقف موازی یکدیگر با فواصل معین . در تهران این عمل را «تیر بندی» گویند .